انترناسیونال ۴۶۹

**اسرائیل و احتمال جنگ**

**مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوائی در مورد تهدیدات جنگی اخیر دولت اسرائیل**

*در چند روز گذشته بعضی از رسانه ها از جمله روزنامه گاردین احتمال حمله نظامی دولت اسرائیل به ایران را مطرح ساخته اند. روزنامه های اسرائیلی هم درباره زیاد شدن این احتمال به بحث پرداخته اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به آن نیز به این تبلیغات پیوسته اند و جنگ با اسرائیل یکی از مباحث اصلی آن ها است. برای پاسخ دادن به سوالاتی که پیرامون تبلیغات جنگی مطرح است، مصاحبه حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران را با گلشن حیدری از برنامه سازان تلویزیون کانال جدید در این شماره انترناسیونال می خوانید.*

گلشن حیدری: یک بار دیگر تبلیغات جنگی دولت اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شدت گرفته است. می گویند برای باز داشتن جمهوری اسلامی از دست یابی به سلاح هسته ای مذاکره و تحریم های اقتصادی چاره ساز نیست و باید به تاسیسات اتمی رژیم اسلامی حمله نظامی کرد. این تهدیدات چقدر جدی است؟

حمید تقوائی: به نظر من این تهدیدات اساسا دلایل سیاسی دارد و یک اقدام سیاسی است. دولت اسرائیل در نقطه مقابل جمهوری اسلامی به این نوع تبلیغات نیازمند است. همانطور که جمهوری اسلامی هر چند گاه یکبار اعلام میکند اسرائیل را باید به دریا ریخت و حول این جنجال به راه میاندازد دولت اسرائیل هم هر از چندی اعلام میکند باید به جمهوری اسلامی حمله نظامی کرد و هر دو اهداف سیاسی معینی را از این نوع تبلیغات و موضعگیریها دنبال میکنند. تا آنجا که به دولت اسرائیل مربوط میشود این دولت اولا با مسائل داخلی حادی دست به گریبان است و احتیاج به جلب توجه ها به یک مساله خارجی دارد و ثانیا همیشه سعی کرده است موجودیت خودش را بعنوان نماینده غرب و سیاستهای آمریکا در منطقه تثبیت کند. قبل از شروع انقلابات اخیر، در دوره مقابله و جنگ میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی با اسلام سیاسی، اسرائیل نقش نماینده میلیتاریسم آمریکا در منطقه را برای خود قائل بود و میخواست بعنوان باصطلاح سر نیزه ارتش آمریکا در منطقه پر آشوب خاورمیانه برسمیت شناخته شود. جنگ دهسال قبل اسرائیل با حزب الله لبنان و کلا حملات نظامی که هر از چند گاهی دولت اسرائیل به آن دست میزند، بخصوص در این دوره بیست ساله اخیر، همیشه تحت عنوان دفاع از دموکراسی و کمپ غرب در مقابله با تروریسم اسلامی و غیره مطرح و توجیه شده است. در شرایط حاضر هم سوژه پروژه هسته ای جمهوری اسلامی محمل و بهانه مناسبی است برای اینکه دولت اسرائیل بر این طبل بکوبد و بعنوان نماینده میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی در منطقه عرض اندام کند. عامل دیگر تحولات منطقه است، انقلاب مصر و مراکش و انقلاب لیبی و تحولاتی که سوریه از سر میگذراند همه اینها موقعیت منحصر بفرد اسرائیل بعنوان نماینده قدر قدرت غرب در منطقه را بزیر سئوال میبرد.

جنبه دیگر همانطور که اشاره کردم مسائل داخلی دولت اسرائیل است. همانطور که میدانید بحران اقتصادی گریبان دولت اسرائیل را هم گرفته است و نارضایتی زیادی از یک در صدیهای حاکم در اسرائیل وجود دارد و دولت اسرائیل با کوبیدن بر طبل جنگ تلاش دارد اذهان عمومی را از این مسائل منحرف کند.

تهدیدات جنگی اخیر اسرائیل در جهت این نوع اهداف سیاسی است. به نظر من این تهدیدات بیش از اینکه از لحاظ اجرائی و بعنوان یک اقدام نظامی مهم باشد، از نقطه نظر براه انداختن گفتمان و جنجال و فضای جنگی است که برای دولت اسرائیل مطلوبیت سیاسی دارد.

گلشن حیدری: دولت های فرانسه و آلمان به اسرائیل هشدار داده اند که حمله به جمهوری اسلامی میتواند برای اسرائیل خطرناک باشد. دیگر دول غربی از جمله دولت اوباما هم مخالف چنین حمله ای هستند. آیا اسرائیل می خواهد به تنهائی حمله کند؟

حمید تقوائی: به نظر من مساله فقط خواستن و یا نخواستن دولت اسرائیل نیست بلکه مساله بر سر امکان و قدرت نظامی این دولت است. در تمام جنگهائی که تاکنون اسرائیل در منطقه داشته است همیشه آمریکا از نظر نظامی به کمکش شتافته است. دولت اسرائیل، علاوه بر نیاز به حمایت سیاسی آمریکا، در جنگهایش همیشه از نظر تسلیحاتی و لجستیکی نیز به آمریکا اتکا داشته است. در رابطه با حمله به جمهوری اسلامی هم دقیقا همینطور است. از اینرو مستقل از خواست و تمایل دولت اسرائیل، این دولت بدون کمک عملی آمریکا توانائی عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی را نخواهد داشت. اما مشکل اسرائیل اینست که فعلا دولت آمریکا و اروپای واحد حمله نظامی را در دستور ندارد. گرچه همیشه میگویند این گزینه روی میز است و آنرا بعنوان یک چماق و ابزار تهدید بکار میبرند اما عملا در شرایط فعلی این طرح را دنبال نمیکنند و لذا بسیار بعید است که دولت اسرائیل علیرغم این خط غرب دست به اقدام مستقلی بزند و سر خود کاری بکند. به نظر من این واقعیت هم بیشتر نشان میدهد که تهدیدات جنگی بعنوان یک خط تبلیغی و پروپاگاندای نظامی برای اسرائیل مطلوبیت دارد و نه یک نقشه عملی برای دست سدن به یک حمله نظامی مستقل.

گلشن حیدری: بنظر می رسد کاندید ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه در آمریکا خواهان حمله نظامی به ایران است. اگر جمهوریخواهان پیروز شوند چنین خطری شدت می گیرد؟

حمید تقوائی: جواب من به این سئوال منفی است. به نظر من سیاست جنگی دولت آمریکا نه تنها در قبال جمهوری اسلامی بلکه کلا در رابطه با نقش ارتش و میلیتاریسم در سیاست خارجی آمریکا و لشگر کشی نظامی از نوع حمله به عراق و افغانستان متعلق به دوره ای بود که کلا سپری شده است. این مهم نیست که رئیس جمهوری آمریکا چه کسی باشد و یا در تبلیغات انتخاباتیشان چه علیه یکدیگر بگویند. در هر حال آن دوره گذشته است. منظورم دوره ای است که سیاستهای میلیتاریستی نئوکنسرواتیستها در آمریکا دست بالا را داشت، اروپا را بدنبال خودش میکشید؛ همانطور که در حمله به عراق در دوره بوش پدر و پسر و در حمله به اقغانستان شاهد بودیم. این تعرض معینی از جانب دولت آمریکا بود برای اینکه بعد از فروپاشی دیوار برلین و در دنیای بعد از جنگ سرد، موقعیت خود را بعنوان تنها ابر قدرت دنیا تثبیت کند و برسمیت شناخته شود. لشگرکشی و به رخ کشیدن قدرت نظامی ابزار تثبیت چنین نقش و جایگاهی برای طبقه حاکمه آمریکا بود. کلا خط بوش - پدر و پسر- بخصوص بعد از یازده سپتامبر بر این مبنی قرار داشت. این دوره، یعنی دوره جنگ تروریستها و مقابله میلیتاریسم آمریکائی با تروریسم اسلامی، اکنون تماما بسر رسیده است. هم جنبش اسلام سیاسی تضعیف و حاشیه ای شده است و هم سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا تاثیر و کاربردش را از دست داده است. کما اینکه دیدیم در حمله به لیبی آمریکا با اصطلاح در صندلی عقب نشست و بیشتر سعی کرد خود اروپا جلو بیفتد. در مورد سوریه هم می بینیم که هنوز دست به اقدام نظامی نزده اند و بخصوص در این مورد با مخالفت شدید روسیه و چین روبرو هستند.

در مورد ایران هم مساله همین است. بنابر این برای دولت آمریکا مستقل از اینکه رئیس جمهور و حزب حاکم که باشد از لحاظ سیاسی و عملی دیگر دوره لشگرکشیهای نظامی سر خود به سر رسیده است. نفس اینکه آمریکا و متحدینش به تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی روی آورده اند و همه اعضای شورای امنیت حتی چین و روسیه هم، هر چند بدرجاتی، با تحریمها موافقند نشاندهنده اینست که مطمئن هستند حمله نظامی در دستور نیست. چون در این تردیدی نیست که اگر دولت آمریکا روی خط حمله و یک اقدام نظامی بود بهیچوجه توافق بقیه را برای تحریمهای اقتصادی نمیتوانست جلب کند. تحریمهای اقتصادی بعنوان آلترناتیو حمله نظامی - البته فعلا و در شرایط حاضر- مود توافق قرار گرفته است و نه بعنوان مقدمه حمله نظامی. به نظر من این واقعیت امروز دنیا است و من فکر میکنم در شرایط امروز احتمال حمله نظامی از جانب آمریکا - رئیس جمهور هر که باشد - بسیار کمتر از امکان حمله نظامی در دوره بوش هست. همانطور که گفتم در این چارچوب اسرائیل هم دست و پایش کاملا بسته است و جای مانور زیادی ندارد.

گلشن حیدری: اگر خطر حمله نظامی لااقل در این شرایط جدی نیست چرا حزب کمونیست کارگری با چنین حساسیت بالائی به این موضوع می پردازد؟

حمید تقوائی: موصع ما در مورد حمله نظامی و جنگ مستقل از اینست که امکان و احتمال جنگ چقدر است. در هر حال نفس اینکه از جنگ صحبت میشود، نفس اینکه دولت اسرائیل و یا هر از چند گاهی مقامات غربی مساله عملیات نظامی را مطرح میکنند و تا وقتی که این نوع تبلیغات و تهدیدات و فضای جنگی هست، وظیفه ما و فکر میکنم وظیفه هر حزب چپ و مترقی و آزادیخواه و رادیکالی این است که این تهدیدات و تبلیغات را خنثی کند. از این نقطه نظر میزان احتمال جنگ اهمیت زیادی ندارد بلکه مهم این است که این احتمال در هر حال وجود دارد و مقامات و دولتها و احزابی وجود دارند که در جهت منافع و اهداف سیاسی شان بر طبل جنگ میکوبند و به یک فضای سیاسی جنگی دامن میزنند. باید در مقابل این تهدیدات و تبلیغات جنگی بایستیم و آنرا خنثی کنیم. حمله نظامی به ایران هم از نظر انسانی و هم از لحاظ سیاسی یک فاجعه خواهد بود. این را همه نیروهای چپ و آزادیخواه میدانند و همه وظیفه دارند که جلو این فاجعه را بگیرند. حتی اگر یک درصد امکان حمله نظامی باشد باید با تمام قوا در مقابل آن ایستاد چون بی شک توده مردم قربانیان چنین جنایتی خواهند بود. اینکه تحلیل و ارزیابی ما از اوضاع چیست و چه سیری را محتمل میداند نباید موجب بشود که ما مساله جنگ و حمله نظامی را که هر از چند گاهی مطرح و به گفتمان تبدیل میشود، دست کم بگیریم. در هر حال حزب ما وظیفه خود میداند که در هر شرایطی فعالانه با سیاستها و تهدیدات جنگی مقابله کند.

٥ سپتامبر ۱٢